

عناصری همچون خانواده - مدرسه - محیط اجتماعی - وسایل ارتباط جمعی - سیاست‌گزاران کشور - صبر و مداومت مسئولین نظام پرورشی - وحدت رویه بین این عناصر مجموعه عواملی هستند که در چگونگی شکل‌گیری شخصیت و هویت جوانان مؤثرند و تحولاتی را ایجاد می‌کنند.

خانواده

خانواده به عنوان زیربنای تشکّل جوامع انسانی و ابزار رفتارهای اجتماعی و خلق فرصتهای طلایی برای شکوفائی استعدادها، تربیت سالم و پرورش روان مطلوب برای فرزندان و آماده نمودن آن برای تعامل با محیط اطراف و جهان خارج از محدوده خانه و پدر و مادر و برادران و خواهران نقش تعیین کننده دارد. اگر والدین در بافت روابط خود با جوان و تربیت او از روشهایی بهره گرفته باشند که به سلامت عاطفی و روحی او منجر شده باشد، بی شک جوان در حل تعارضات و تناقضات خود با محیط دچار مشکل حادی نخواهد شد و خواهد توانست خود را با محیط خارج از خانه سازگار سازد و در تعامل با دوستان و همسالان منطق و استدلال را بر روشهای حسی و لهوری ترجیح دهد و با جرأت و جسارت در پیشبرد مقاصد و اهداف انسانی موفق باشد. پس در مرحله اول خانواده باید با فراگیری اصول و روشهای برخورد با فرزندان خود، زمینه سالم و دور از ابهام و پیچیدگی را برای هدایت آنان فراهم نماید.

با توجه به اینکه دوره بلوغ و جوانی زمان ابهام، سردرگمی و اشتباه کاریهاست باید توجه نمود که این ابهام و پیچیدگی روابط بین پدر و مادر و جوان، جای خود را به سادگی و وضوح داده و امکان طرح و حل مسائل بوجود آید پیامبر اسلام فرمود:

الشَّبَابُ شَبْعَةٌ مِنَ الْجُنُونِ

«جوانی شعبه‌ای از جنون است.»

جنون از ماده جن و به معنی پوشیدگی و استتار است. وقتی جوان خود در پیچیدگی روانی است باید عناصر دیگر را ایجاد امکانات لازم، امکان کشف توانائیهای او را فراهم آورند.

محیط

محیط به عنوان عنصری که در آن محرکهای نفسانی، تصحیح روابط اجتماعی، رعایت حقوق فردی و اجتماعی انسانها، احترام متقابل عمیقاً مطرح است، در روند حیات اجتماعی جوان نقش

جدی و تعیین کننده دارد. لذا باید شرایط به گونه‌ای فراهم شود که پرورش و پایه‌گذاری شخصیت واقعی جوان میسر و او را آماده زندگی و نمردهی برای آینده نماید.

از آنجا که «پایه شخصیت اخلاقی هر کسی، اول بر مبنای تربیت فردی و سپس بر تربیت اجتماعی استوار می‌باشد» لذا باید کوشید که جامعه از هواهای نفسانی تخلیه شده و علائم بیماری و ویروس مفسد و تباهی و انحراف از بین برود. وگرنه نمی‌توان در فضای آلوده و بیمارگونه، رابطه خوب و ارگانیک برقرار نمود. بنابراین اصلاح محیط و دور داشتن آن از گزند هرگونه فساد و زمینه‌های انحراف از اهم امور است که بدان باید توجه وافر شود.

امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید:

«وقتی زمان و جامعه بد باشد و شرایط اجتماعی نامناسب، خوبیها بی رونق می‌شود و انجام آنها زیان‌آور است و رذائل و بدیها رایج و سود بخش می‌شود!»^۲

«توجه به خط مشی برنامه‌های دستگاههای تبلیغاتی جامعه اعم از رادیو - تلویزیون - سینما - مجلات - روزنامه‌ها و مراکز تجمع و تشکیلاتی که نقش رهبریهای اجتماعی را بر عهده دارند. همچنین محافل خانوادگی و عمومی و کانونهای هنری و تفریحی و بالاخره محیط کوچه و خیابان و... به عنوان وسایل و امکانات ارتباطی که در تربیت اجتماعی و سازندگی شخصیت اخلاقی و معنوی فرد مؤثرند»^۳ بیش از هر چیز دیگر ضروری می‌نماید.

اگر گاه شاهد سردرگمی و عنان گسیختگی و عصیان اخلاقی در جامعه هستیم به دلیل آن است که «تصویرهایی که خانواده و دستگاه تعلیم و تربیت و محیط اجتماع از سیمای زندگی در برابر نسل جوان قرار داده است»^۴ و در مواقعی متأسفانه چشم اندازهایی که در منظر دید آنان گسترده است، آلوده و عاصی پرور و گمراه کننده بوده است.

با این اشاره یک حرکت قوی و توأم با برنامه ریزی دقیق لازم است که مسئولین نظام تعلیم و تربیت و اجتماع و دستگاههای ارتباط جمعی در رابطه با هموار کردن راههای عبور نسل جوان از بلا تکلیفی، بی اعتقادی، و بد اخلاقی به سرزمین صلاح و آرامش تحت حاکمیت عقل و وجدان فراهم آورند. بر جوانان است که «جداً اعتقاد پیدا کنند و بفهمند و غم آن خورند که در آینده جز دور راه برای زیستن نیست. یکی راه افتخار و شرافت و دیگر طریق ننگ و ذلت و اما پویندگان راه نخست را زاد و توشه‌ای جز دانش و آزادگی و دین و معرفت و کوشش و شکیبائی مستمر بکار نمی‌آید.»^۵

عناصر ارتباط با

• اصغر شکیبا

«نشانه‌های بارز این رهروان دل‌های پاکی است که جز به مهر خدا و همنوع و زیباییهای معنوی و شرف و کمال نمی‌تپد و چشمان پرآرزومی که جز خیر و صلاح جامعه نمی‌بینند. سالکان این راه با اتکا به سرمایه اخلاق جز به نیکی نمی‌گیرند، روحشان مطمئن و آرام است و همه وقت با توکل به خداوند و همت والا و اراده استوار خویش، در برابر طوفانها و امواج متلاطم دریای زندگی و رویدادهای سخت روزگار، چون صخره‌های سنگین پابرجایند و در مقابل ناملايمات و رنجهای زمانه شکیبا و بردبار»^۷ عده کثیری از این جوانان را در عرصه‌های مختلف کشور و میدانهای جنگ و نبرد با کفر دیدیم و صلابت و ایمان آنان را آزمودیم. باید روح امیدواری در این نسل را تقویت نمود و بر این باور بود که اگر ما به مسئولیت خطیر خود به موقع و طبق مقتضیات زمان عمل کنیم، نتیجه مطلوبی را خواهیم گرفت و نسل جوان را در مقابل هرگونه تحوّل آگاه و از انحراف او جلوگیری خواهیم کرد. «موقعیکه پیشوای گرامی اسلام آیین جدید الهی و برنامه‌های نوین مذهبی خود را به مردم عرضه کرد و بزرگترین انقلاب سعادت بخش جهانی را پایه‌گذاری نمود، جوانان با شور و گرمی زاید الوصفی به آن دین مقدس گرویدند با رهبری پیامبر اسلام به منظور محو ساختن عقاید غلط و سنن فاسد پیاختستند و بر اثر مجاهده و کوشش پی‌گیر خود توانستند در مدت کوتاهی محیط حجاز را از آن همه پلیدی و ناپاکی تطهیر کنند و جامعه عقب افتاده را به عالی‌ترین مدارج کمال برسانند.»^۷

صبر و شکیبائی، دقت عمل و وحدت رویه همه دستگاہهای ارتباطی و سیستم اداره خانواده و دستگاہ تعلیم و تربیت و از همه مهمتر سیاستهای دولت و گردانندگان امور و مداومت بر ارائه برنامه‌های جذاب و آگاهی بخش و پرهیز از هرگونه بی‌حوصلگی و دخالت دادن افکار و ایده‌های جناح مخصوص و جریانهای سیاسی^۸ مسائلی است که باید در هدایت و پرورش نسل جوان و تقویت باورهای مذهبی او رعایت و از طریق وسایل ارتباط جمعی بهره گرفته شود.

«اگر تجدد خواهی جوانان به درستی هدایت شود و با راهنمایی مربیان لایق در مسیر صحیح خود قرار گیرد و از افراط و تندیهای نابجا مصون بماند مایه نوسازی محیط و منشاء بسیاری از تحولات اجتماعی است و می‌تواند جامعه را از پاره‌ای از رسوم فاسد و آداب غلط رهایی بخشد و از انحطاط و پستی و احياناً از سقوط و تباهی اش محافظت نماید.»^۹

نسل جوان و موانع ارتباط



موانع ارتباط با نسل جوان

وقتی از جوان و آرمانهای او صحبت می‌شود منظور کلمات موضوع و انتظاراتی است که در متغیر ما موجود است. جوان می‌تواند با گاهی و رشد کافی و با توجه به قدرت منطق و استدلال خویش راههای مختلف را انتخاب و از جنبه، تعلق به گروه و جریان فکری خاصی داشته باشد. اما به عنوان یک نسل و یک فرزند کلی باید مسیر زندگی و اهداف او در بستر نظام اعتقادی و اخلاقی جامعه، روش و مشخص باشد. تا بدین لحاظ بتوان مصالح کلی و روند تکامل بخش و جایگاه شخصیتی او را در سیستم اداری نظام مدهبوط کرد. لذا ضمن اینکه تاکید می‌کنیم:

۱- وجود و حضور گروهها و ندیشه‌های سیاسی خود فی نفسه در تحریک و به جنبش واداشتن جوان و در بیداری او و فرایش معنومات و اطلاعات و واژگان سیاسی و اجتماعی وی کمک می‌نمایند. تا باید دقت نمود که احزاب سیاسی و صاحبان اندیشه سیاسی در حیات هر گروه‌های مختلف سعی در این دارند که حضورهای متعدد در اطراف مسوولانه‌ی خود ایجاد کنند و اعضای خود را نسبت به اندیشه گروهی ایوانه کنند. و توان را وادار کنند. آنچنان که گروه فکر می‌کند، ذکر کنند و آنچه را گروه انتخاب می‌دهد و می‌خواهد، حاصل کنند و در بهایست اندیشه آید را از وی سلب نمایند.

بنابراین قطع نظر از محسبات احزاب سیاسی در کار، یادآوری این نکته ضروری است که دایمی دستگاههای تبلیغاتی و ارتباطی آنچنان به نسل جوان متعلق به جامعه رشد و آگاهی دهد که آنان بتوانند در انتخاب ره و موقف و مواضع آن فکر کنند و عاقبت امر را بطور دقیق ارزیابی کنند.

۲- از آنجا که جوان روحیه طلبه‌ستیزی داشته و تحمل تعارض و نازدانیهای اقصه‌دی و احساسی بر او مسلک است و وجدان اخلاقی و وجدان را جریحه‌دار می‌کند، لذا نسبت به وجود این چنین صحنه‌هایی معترض و آن را در تعارض با آرمانهای خود و حیات واقعی جامعه که متضمن حیات عمومی و مخصوصاً محرومین وضعیتانی است می‌بیند. و دچار بیماری احساسات و هیجان عاطفی و اخلاقی می‌گردد. از این رو رجوع به و و ارائه هر برنامه‌ای که هدفدار باشد و بتواند منافع مادی و معنوی را عرضه بخرد، خانواده‌ها و مسئولین نظام را با مشکل مواجه می‌سازد علت این امر مفاسدهای عاقبت طلبان و سود جوین و مرفهین بی‌درد در جامعه است. اینان دقیقاً موانع ارتباط واقعی با این نسل بوده و رفتارها و منشهای آنان درست در جهت خلاف منویات جامعه سالم را احتیاج اساسی است و نقش بارزیت را بازی می‌کنند. تسامح و تساهل در شکل‌گیری این قشر و اجازه یافتن برای انجام عملیات وسیع در مسیر جامعه (خصوصاً) امور اقتصادی و عرضه و تقاضا، ضربات سهمناکی را بر



مطالعات فرهنگی
مجله علمی پژوهشی
فصلنامه علمی پژوهشی
علوم انسانی

بیکرة تحولات اجتماعی وارد می کند.

۳- فقر یک مسئله اجتماعی مهم و عامل قوی در اختلال و برقراری ارتباط با نسل جوان و تقویت باورهای مذهبی اوست. فقر در هر دو جنبه مادی و فرهنگی آن علت موجد بسیاری از مصائب و مشکلات جوامع انسانی بوده و در حداقل خود خانواده‌ها را متلاشی و در حد وسیع جوامع انسانی را در دامن ظلم و ستم غرق ساخته و اعتقادات و ارزشهای فرهنگی خود را در دست زرمندان و زورمندان تریخ گرفتار کرده و بر نابودی اش عزرا گرفته و سیه روزی و نیرهختی را شاهد بوده است.

پایده فقر هر چه که باشد بالاخره از دو حال خارج نیست. یا در نتیجه بیسستی و غفلت و عدم رشد و آگاهی بواسطه سلطه گران و استعمار پیشگان بر آنان تحمیل می گردد که در هر صورت موجبات فقر و تنگدستی مادی و تهی شدن از ارزشهای فرهنگی را در پی خواهد داشت. لذا چنانچه خواسته باشیم در چنین وضعیتی یا نسلی در ارتباط باشیم و نورا نسبت به وظیفی که دارد آگاه سازیم، تروریستهای اقتصادی و در کمین نشسته، با انواع حیل و تیرنگها و هزاران لطایف الحیل سعی در گساره کردن اذهان آنان دارند. بنابراین مبارزه و حذف این عامل و زدودن زنگارهای پلید و شوم فقر (فرهنگی و مادی) زمینه را برای برقراری یک ارتباط صحیح و سالم با نسل جوان فراهم می سازد و گامهای بعدی در سازندگی و رشد و تعالی فرهنگی و تقویت اعتقادات مذهبی و توحیدی به سادگی برداشته می شود. باید جوی ایجاد کرد که در آن «جوانان ایمان یابند که جهل و تبلی و تن پروری و بی نظمی صفتی است که جز ننگ

*** اگر والدین در بافت روابط خود با جوان و تربیت او از روشهایی بهره گرفته باشند که به سلامت عاطفی و روحی او منجر شده باشد، بی شک جوان در حل تعارضات و تناقضات خود با محیط دچار مشکل حادی نخواهد شد.**

*** فقر یک مسئله اجتماعی مهم و عامل قوی در اختلال و برقراری ارتباط با نسل جوان و تقویت باورهای مذهبی اوست.**

و بدنامی ثمره ای ندارد و پیمودن راه ننگ، جز سقوط و رسوائی و سیه روزی و گدائی حاصلی نمی دهد. (۱)

۴- وجود سنتهای نازوای اجتماعی و پای بندی نسل کهن به رسوم کهنه و تعلق به زمان گذشته و طرز تفکر به سبک گذشته بدون توجه به پیشرفت زمان و مقتضیات آن و بروز و حصول روشها و تکنیکهای جدید و اندیشه بدیع و ایده‌های نو در جوان عامل دیگری است که متصدیان تعلیم و تربیت را با مشکل مواجه می سازد. جوان از طرفی خود را در زمان متعلق به خود می بیند و وجود و حضور زندگی جدید را بطور عینی لمس می کند و از طرفی دیگر با اعتراضی در خانواده در ارتباط است که متعلق به آداب و رسوم و ایده‌ها و ارزشهای گذشته‌اند در نتیجه به یک حالت برزخی مبتلا گردیده و شروع به سرکشی و طغیان می کند و به رفتارهایی دست می زند که نهایتاً موجب عدم رضایت خانواده از جوان می گردد لذا خانواده و اجتماع باید تلاش کنند که در نحوه ارتباط با جوان تجدیدنظر کرده و به مقتضیات توجه جدی داشته باشند. باید جوانان کشور «معتقد شوند که خداوند عالی‌ترین و فاخرترین سرمایه‌های معنوی جهان را که آیین پاک و جاودانه اسلام است - دینی آتحدن مترقی و کامل که با جامعیت خویش تأمین کننده صلح دائم و سعادت و آسایش پایدار برای بشریت است - به ایشان ارزانی داشته است بخصوص در روزگار آشفته کنونی که آدمی بواسطه پشت کردن به اخلاق و زیر پا نهادن حقوق و احترام هموع خود به وادی جنگهای خونین سوزشده و تباهی کشانیده شده است. این آیین مقدس با اصول استوار و منطقی خود که از جمله لغو کلیه امتیازات طبقاتی و نژادی و همچنین جانبداری از شرافت و حیثیت انسان و عدالت اجتماعی است، آرامش بخش دل‌های مضطرب و رهاننده نوع انسان از سلاخ و آفات قرن حاضر است. (۱)

با وجود چنین دین مترقی و معنوی و سازنده ای، پایدگی برای «حذف ناپیدی» باقی نمی ماند. البته ما معتقد هستیم باید طبق مقتضیات زمان حرکت کرد و زبان و گویش را و نحوه ارتباط را متناسب با زمان تغییر داد و فقه و اجتهاد پویای اسلام این مسئله را به نحو جالبی در هر زمان پیش بینی و حل می کند و راه ترقی و رشد و کمال را بر جوانان هموار می سازد.

۵- اگر عصر حاضر عصر بلوغ ناپیدی بدیم و معتقد باشیم در حد امکان هر جامعه‌ای و قشری جهت مقابله با ناملایمات و در جهت پیشبرد اهداف اقتصادی و اجتماعی و سیاسی خود نباید به اطلاعات فنی و دقیق است باید بپذیریم که رانه مطلب و ایده‌ای نیست به چنین جوامع و اقشاری مخصوصاً قشر جوان کاریس انسانی نیست اعلام آمار و ارقام دور از حقیقت و تحریف اذهان و بزرگ نمائی بعضی از نموده‌ها و نمادهای فعالیتهای اجتماعی و خدمتی، نمی تواند تأثیر بسزایی در جذب افکار عمومی داشته باشد. اگر چه

درصدی از آن تحت شرایط تبلیغی و جوسازی ممکن است مقبول افتد.

لیکن در اکثر مواقع نمی تواند جایگاه خود را پیدا و حفظ کند. لذا شایسته است در برقراری ارتباط با جامعه و جوانان از ریا و خودنمایی و بزرگ کردن مسائل شدیداً پرهیز کرده و اذعان داشت «که از دیدگاه اسلام تبلیغات جز ابلاغ و رساندن پیام نیست. آن هم به منظور ثبت آگاهی نه حذف آن، بنابراین لزومی ندارد که ما برای

برقراری یک ارتباط با قشرهای مختلف جامعه و خصوصاً نسل جوان به مبالغه گویی بپردازیم و یا در اعمال روشها و برنامه ریزی های هدایتی راه ریا و خودنمایی پیش گیریم.

«بسیاری از سخت گیری های ما که در آئینه تبلیغات نیز منعکس می گردد ناشی از جهل ما به دستورات اسلام است. به عنوان مثال ماتتو و روسری را وقتی که مطابق احکام شرع تهیه شده باشد پوشش اسلامی ندانستن و برخی از مکروهات را حرام و برخی از مستحبات را واجب شمردن و در مقابل، برخی از محرّمات را مباح دانستن، اگرچه با اظهار تعصب شدید به اسلام صورت پذیرد ولی بی تردید با اسلام فاصله دارد.»

لذا تمسک به اصول واقع گرایی و واقع بینی در ارتباطات به ما کمک خواهد کرد تا گیرندگان پیام همیشه و همواره پیام دهندگان و وسایل ارتباطی را مورد اعتماد خویش بدانند و به آنها ایمان داشته و از آنها پیروی کنند و در جهت اصلاح نفس و جامعه گامهای بلند و مثبتی بردارند.

ارتباط با نسل جوان به ظرافتها و لطافتهای خاصی نیازمند است. اگر دنیای عاطفی آنها را نشناسیم اگر حساسیتها، تنوع طلبیها، شور و شرها و گرایشهای خاص این دوره را ندانیم در ارتباط با آنان دچار مشکل خواهیم شد. جوانان سرمایه های غنی و پراج جامعه اند و اگر نهضت پیامبر (ص) را همانگونه که خود آن حضرت فرموده، جوانان به ثمر رسانند امروز نیز بزرگترین پشتوانه انقلاب آنانند و دیدیم که در طی دفاع مقدس چه حماسه ها آفریدند و چه عظمتها را رقم زدند. محیطهای آموزشی با حدود ده میلیون نوجوان و جوان باید به عنوان مناسب ترین و ناب ترین پایگاه تبلیغی تلقی شود و سرمایه گذاری جدی برای امروز جوانان از سرمایه سوزیهای آینده جلوگیری خواهد کرد.

• پی نوشتها:

۱ - مقصود از تربیت فردی مجموعه آموخته هایی است که متعلم بر اثر تعلیمات، راهنماییها و اوامر و نواهی والدین و مربیان در محیط خانه یا مدرسه فرا می گیرد. و منظور از تربیت اجتماعی اثراتی است که عوامل تعلیم دهنده موجود در محیط اجتماعی بر افکار و احساسات فرد وارد می کند برگرفته از «این است موانع راه»، دکتر حسین رزمجو، ص ۵۵

۲ - نهج البلاغه، خطبه ۳۲

۳ - رزمجو، حسین، «این است موانع راه»، ص ۵۵

۴ - همان کتاب، ص ۵۵

۵ - همان کتاب، ص ۲۳

۶ - همان کتاب، ص ۲۳

۷ - فلسفی، محمدتقی، جوان، ص ۱۰۹

۸ - منظور از جریانهای سیاسی صرفاً جریان خط فکری گروهها و پاندهای سیاسی مخصوص در کشور است و گرنه توجه و تذکره مسائل سیاسی و پرورش سیاسی نیز طوری انجام گیرد که جوان را مختار به انتخاب راه احسن و اکمل نماید.

۹ - فلسفی، محمدتقی گفتار فلسفی جوان، ص ۱۰۸

۱۰ - رزمجو، حسین «این است موانع راه»، ص ۲۶

۱۱ - همان کتاب، ص ۲۶

۱۲ - زورق، محمدحسین، مبانی تبلیغ، ص ۳۲۰

